



# سلوك سياسى اجتماعى مبلغان

اهتمام به امور مسلمين

۶

رحيم كارگر

اشاره

به هم نوع خود بهره و نفع رساند و همیشه دیگران را از برکات وجودی و رفتاری خود برخوردار سازد و چنین کسی بهترین مردم است.

رسول اکرم ﷺ می فرماید: «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ اَنْفَعَ بِهٖ النَّاسُ»<sup>۱</sup> بهترین مردم کسی است که مردم از وجودش سود برند.»

امام عسکری علیه السلام فرموده است: «خَصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ: الْاِبْتِمَانُ بِاللهِ وَتَنْفَعُ الْاِخْوَانَ»<sup>۲</sup> دو ویژگی است که برتر

در بخش قبلی مقاله، بحثِ اهتمام به امور مسلمین را مطرح کردیم و در ذیل عنوان «گونه‌های اهتمام به امور مسلمین»، یکی از این گونه‌ها را بیان نمودیم. اینک ادامه بحث را پی می‌گیریم.

دو. نفع رسانی و خیرخواهی

برای مردم

یکی از بایسته‌های سلوک اجتماعی مبلغان و اهتمام به امور مسلمین، فایده داشتن و نفع رسانی مادی و معنوی به مردم و خیرخواهی برای آنان است. انسان در هر حال باید

۱. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۳؛ مستدرک

الوسائل، ج ۲، ص ۴۰۳.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۰۳.

چنان که امام جواد علیه السلام می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ - تَسْبَارَكَ وَتَعَالَى - أَخَذَ عَلَيْنَهُم (العلماء) الْمِيثَاقَ فِي الْكِتَابِ أَنْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَنْ يُبَيِّنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالْتَّقْوَى؛<sup>۲</sup> همانا خداوند تبارک و تعالی در کتاب خود از علما پیمان گرفته است که امر به معروف و نهی از منکر کنند و در نیکیها و پرهیزگاری تعاون و همکاری داشته باشند.»

#### عالمان خیرخواه

- درباره عالم جلیل القدر شیخ زین العابدین مازندرانی آمده است: «او تا می توانست قرض می کرد و به مردم می داد و هر چند وقت که یکی از ثروتمندان هند به کربلا می آمد، قرضهای او را می داد... در یکی از سفرها که شیخ به سامرا می رود، در آنجا سخت بیمار می شود. میرزای شیرازی از او عیادت می کند و او را دلداری می دهد. شیخ می گوید: من هیچ گونه نگرانی از مرگ ندارم؛ بلکه نگرانی من از این است که بنا به عقیده ما امامیه، وقتی که می میریم، روح ما را

از آن دو، چیزی نیست: ایمان به خدا و نفع داشتن برای برادران [ایمانی].»

این امر با تأکید بیشتری درباره علما و مبلغان دین مطرح شده و در روایات، سفارش گردیده که عالمان دین با علم و عمل و شخصیت خود، دیگران را بهره مند و منتفع سازند و خیرخواه و ناصح آنان باشند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ، أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ؛<sup>۱</sup> «عالمی که از علمش بهره برده می شود: از هفتاد هزار عابد برتر است.»

بر این اساس علما و مبلغان دین همواره خیرخواه و نفع رساننده به مردم بوده اند، در آنجایی که نیاز به نصیحت، ارشاد و خیرخواهی معنوی است، حضور آنان پررنگ و اثر بخش است و در مواضعی که به اعتبار و شخصیت آنان، کمکی به نیازمندی می شود یا مرکز عام المنفعه و خیریه ای تأسیس می گردد یا در اداره و نهادی گرهی از کار ارباب رجوع گشوده می شود، آنان با جان و دل این را می پذیرند و پیشتاز دیگران در انجام نیکیها و تعاون در خیرات هستند.

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۳.

۲. همان، ج ۸، ص ۵۴.

می شد و همه اینها در سایه انفاس قدسی ایشان بود.<sup>۲</sup>

- درباره حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی آمده است: سراسر وجود، روحیه و خُلق و خوی ایشان، همه اش خیرخواهی و کمک و نفع به دیگران بود. با همان حالضعفی که داشتند، اگر کسی برای کاری به ایشان مراجعه می کرد، تا حد امکان آن را انجام می دادند و کمتر دیده شد که ایشان کسی را پاسخ نگوید یا ناامیدش کند.<sup>۳</sup>

- آیت الله صالحی مازندرانی شخصاً به امور مردم رسیدگی می کردند. اگر نیاز به تلفن کردن یا نوشتن نامه بود، دریغ نمی فرمودند. شب قبل از رحلت شان نیز به کار دو روستایی محترم رسیدگی کردند. خلاصه همه به خیر او امیدوار بودند و به همین خاطر در منزل و دفتر شان به روی همه باز بود.<sup>۴</sup>

به امام عصر علیه السلام عرضه می کنند، اگر امام سؤال بفرماید: زین العابدین! ما به تو بیش از این اعتبار و آبرو داده بودیم تا بتوانی قرض کنی و به فقرا بدهی، چرا نکردی؟ من چه جوابی به آن حضرت می توانم بدهم؟!<sup>۱</sup>

- آیت الله احمدی میانجی بارها سفارش می کردند که به مردم خدمت کنید و از آنها دستگیری نمایید. در مسجد کوچک عبدالهی جمعی از نیکان روزگار و بزرگان و... زیر نظر آیت الله میانجی، کمکهای مردمی را جمع کرده و با زحمات و تلاشهای تحسین برانگیز به مصرف واقعی آنها می رساندند. در این مسجد پربرکت سه نوع کمک مردمی جمع می شد:

۱. پول برای سادات (خمس)؛
۲. پول برای نیازمندان، بخصوص نیازمندان آبرودار؛
۳. پول برای آسایشگاه معلولین و یتام.

آیت الله میانجی خودشان هر روز مبلغی را برای کمک می پرداختند و بقیه از ایشان تبعیت می کردند و پولهای زیادی در این مسجد جمع

۱. مرگ در نور، ص ۷۹.

۲. اسوه پارسایان، ص ۴۹ و ۵۰.

۳. خاطراتی از آئینه اخلاق، ص ۲۶ و ۲۷.

۴. فقیه صالح، ص ۱۴۰.

به گریبان هستند و نیازها و خواسته‌های گوناگونی دارند که خود قدرت و توانایی برطرف کردن آنها را ندارند. در این راستا علما و مبلغان دینی همواره محل رجوع مردم و پناهگاه و ملجأ آنان بوده‌اند و با توجه به شخصیت و اعتبارشان، حاجات نیازمندان را برآورده و از هیچ کمک و مساعدتی دریغ نورزیده‌اند.

در سیره و گفتار اهل بیت علیهم‌السلام نیز تأکید فراوانی بر رفع حوایج نیازمندان و حل مشکلات مردم شده و ثوابها و پاداشهای زیادی برای آن بیان گشته است.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ يَفْضِي بَعْضُهُمْ حَوَائِجَ بَعْضٍ فَيَقْضَاهُ بَعْضُهُمْ حَوَائِجَ بَعْضٍ يَفْضِي اللَّهُ حَوَائِجَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ<sup>۱</sup>؛ اشخاص با ایمان برادرند و حوایج یکدیگر را برمی‌آورند. پس به برآوردن حوایج یکدیگر، خداوند حوایج آنان را در روز قیامت برآورده می‌کند.»

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ سَأَى

- حاج آخوند ملاعباس تربتی همیشه واسطه خیر می‌شد و کسانی که به او مراجعه می‌کردند، با دست پر از نزد او برمی‌گشتند. اگر می‌خواستند برای صاحب منصب یا صاحب نفوذی نامه بنویسند؛ تا مشکلشان برطرف گردد، این کار را می‌کرد. او نامه را به دست صاحب حاجت می‌داد و همیشه اشخاصی که به آنها نامه می‌نوشت، ترتیب اثر می‌دادند. اگر کسی را توقیف کرده بودند، رها می‌کردند و اگر از کسی جریمه‌ای می‌خواستند، می‌بخشیدند و اگر آن کس مدیون بود، مهلتش می‌دادند.»<sup>۱</sup>

هر کس زکار خلق یکی عقده باز کند

ایزد هزار حاجت او را روا کند

صدها فرشته بوسه بر آن دست می‌زنند

که از کار خلق یکی عقده وا کند

سه. برآوردن حاجات و حل

### مشکلات

امروزه جوامع از پیچیدگیها و گسترده‌گیهای خاصی برخوردارند و عموم مردم - به خصوص اقشار کم درآمد و مستضعف - همواره با مشکلات و گرفتاریهای مختلف دست

۱. فضیلت‌های فراموش شده، ص ۱۰۵.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۰۶.

المُسْلِمِ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ، خَيْرٌ مِنْ  
تَبْعِينَ طَوَافًا بِالتَّيْتِ؛<sup>۱</sup> رفتن مسلمان در  
پی حاجت برادر مسلمانش، بهتر از  
هفتاد طواف خانه کعبه است.»

رسول خدا ﷺ می فرماید: «أَحَبُّ  
الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ سُورُورٌ تَدْخُلُهُ عَلَى الْمُؤْمِنِ:  
تَطْرُقُ عَنْهُ جُوعَتُهُ، أَوْ تَكْشِفُ عَيْتَهُ كُرْبَتَهُ؟<sup>۲</sup>  
محبوب ترین اعمال نزد خدا، سروری  
است که به مؤمنی رسانی: گرسنگی او  
را بزدایی یا گرفتاری او را برداری.»

با توجه به این روایات مسئولیت  
همه مؤمنان - به خصوص مبلغان و  
روحانیون - روشن است. مبلغان  
می توانند بعضی از مشکلات و  
گرفتاریهای اجتماعی و شخصی  
نیازمندان را برطرف سازند؛ موجب  
تسکین و آرامش آنان شوند؛ با درایت  
و تیزبینی معضلات اساسی منطقه و  
شهر خود را برطرف سازند؛  
پاسخگوی نیازهای فرهنگی و روانی  
جوانان و نوجوانان باشند؛ افراد  
بی سواد و کم اطلاع از قوانین و  
مقررات را راهنمایی کنند؛ مشکلات  
محل تبلیغ را به مسئولان مربوطه  
گزارش دهند و از آنان تقاضای

مساعدت کنند و...»

یکی خسار پای بستیمی بکند

به خواب اندرش دید صدر خجند

همی گفت و در روضه ها می چمید

کز آن خار بر من چه گلها رسید

عالمان دین و برآوردن حاجات

- یکی از همراهان امام خمینی علیه السلام

در نجف می گوید:

«بعضی مواقع به حضور ایشان  
می رسیدیم که فلان شخص آمده و  
احتیاج به کمک دارد. ایشان مقدار قابل  
توجهی به او کمک می کردند، بعد  
متوجه می شدیم آن شخص بسیار  
محتاج بوده است. در این مورد، یکی از  
افراد اظهار داشته است: من پیش هر  
کسی می رفتم، مقدار مختصری کمک  
می کردند؛ ولی وقتی پیش امام آمدم، با  
اینکه مرا نمی شناخت، اما با این کمک،  
زندگی مرا خرید و فرزندانم را نجات  
داد.

ایشان در خیابان و حرم مواظب  
بودند و اگر طلبه ای وضع خوبی  
نداشت، فوری دستور می دادند که

۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۲۴.

۲. کافی، ج ۳، ص ۲۷۵، ح ۱۱.

برای او عبا بخرند.»<sup>۱</sup>

- به صاحب فصول گفته شد: اگر دانستی که مرگت نزدیک شده و از عمرت چند ساعتی نمانده، در آن مدت چه خواهی کرد؟ فرمود: روی سکوی در منزلم برای رفع حاجات مردم می‌نشینم تا شاید کسی آمده، از من حاجتی بخواهد؛ ولو آنکه حاجت، استخاره باشد.<sup>۲</sup>

- در شرح حال عالم ربّانی، انصاری همدانی آمده است:

«محضر مقدّس محل قضاء حوائج بود. افرادی که برای حوائج مادی و شفای بیماریها مراجعه می‌کردند - حتّی اگر خارج از اسلام بودند - آنان را با آغوش باز می‌پذیرفت. یکی از علما می‌گوید: به یسار دارم روزی یک نفر یهودی به خاطر بیماریش به ایشان مراجعه کرد و ایشان او را با محبّت تمام پذیرفت و یک دستور دارویی به آن یهودی داد؛ چون از طبّ قدیم آگاهی داشت و افرادی را با نفس مسیحای خود مداوا می‌نمود.<sup>۳</sup>

- دربارهٔ علامه طباطبایی آمده

است: با وجود انبوه کارهای مهمی که داشتند، هرگز دست رد به سینهٔ کسی که برای امری - هر چند پیش پا افتاده - نزد ایشان می‌آمد، نمی‌زدند و این به سبب رقت قلب و عاطفهٔ شدید ایشان بود. حتّی در سالهای آخر عمر که بیمار بودند، مراجعات را رد نمی‌کردند. یک بار به دخترش گفته بود: صبح تا به حال ۲۴ بار به در خانه رفته و مراجعات مردم را جواب داده‌ام.<sup>۴</sup>

- دربارهٔ شهید قدّوسی نیز نوشته‌اند: از ویژگیهای ایشان، کمال سعی و کوشش در برآوردن و انجام دادن حوائج مؤمنین، و تلاش در حل مشکلات آنان بود. کسی نبود که مشکلی داشته باشد و به ایشان مراجعه کند، مگر آنکه هر چه می‌توانست در حلّ آن می‌کوشید. فعالیتهای زیادی در جهت کمک مادی به طلاب مستمند می‌کرد؛ اما کسی مطلع نمی‌شد. حتّی

۱. فرازهایی از ابعاد روحی، اخلاقی و عرفانی

امام خمینی، ص ۷۰.

۲. یکصد داستان خواندنی، ص ۳۳.

۳. در کوی بی‌نشانها، ص ۸۱.

۴. جرعه‌های جانبخش، ص ۳۶۸.

گاهی مهریه تزویج بعضی را خود می‌پرداخت. همچنین بعضی را صاحب و مالک خانه مسکونی می‌کرد و کسی مطلع نمی‌شد و تمام مساعدتها را پنهانی و بدون اطلاع دیگران انجام می‌داد.<sup>۱</sup>

- عالم ربّانی آیت الله کوهستانی به برخی از کارمندان دولت (در رژیم گذشته) می‌فرمود: اگر دو شرط را رعایت کنید، مشکل نخواهید داشت: اول آنکه در حرام مصرف نکنید. دوم آنکه مردم رعایای امام علیه السلام هستند و اگر آنان مشکلی داشتند، مشکلات آنها را برطرف نمایید.<sup>۲</sup>

- عالم والا مقام آیت الله گلپایگانی، سخت‌اهتمام در قضای حوایج مردم و خصوصاً علما و طلاب داشتند. ایشان مسائل را ردّ نمی‌کردند و تا ممکن بود، کسی را محروم نمی‌ساختند.<sup>۳</sup>

- دربارهٔ خصوصیات عالم بزرگوار شیخ مرتضی حائری آمده است: یکی از خصوصیات ایشان - که وی را از همگان ممتاز می‌ساخت - روحیهٔ تعاون و همکاری ایشان بود.

آن بزرگوار در کنار کارهای دیگرش، اهتمام به امر بندگان خدا داشت و در رفع گرفتاریهای مردم و برطرف کردن مشکلات زندگی دیگران تلاش و کوشش می‌کرد. درب خانه آن عالم ربّانی به روی مردم باز بود و حاجتمندان می‌توانستند، حوایج خود را با وی در میان بگذارند و مشکلات خود را به وسیله او حلّ کنند. وی سرپرست جلسهٔ ایتمام بود. جلسهٔ مزبور، یتیمان بی‌شمار و خانواده‌های بی‌سرپرست بسیاری را زیر پوشش داشت و به شکل مطلوب و آبرومندی، به وضع آنان رسیدگی می‌کرد. و به زندگی بی‌رونق آنان سامان می‌بخشید. نان و غذا و لباس و احیاناً جهیزیهٔ دختران بی‌سرپرست و پدر از دست داده و مخارج ازدواج و عروسی آنان را خیلی آبرومندانه تأمین می‌کرد...<sup>۴</sup>

ادامه دارد...

۱. یادنامهٔ شهید آیت الله قدوسی، ص ۵۵ و ۵۸.

۲. برقلهٔ پارسایی، ص ۱۷۸.

۳. خورشید آسمان فقاقت و مرجعیت، ص ۱۹۵.

۴. سرّ دلبران، ص ۲۵ و ۲۶.